

رمان سووشون

اثر سیمین دانشور

شهین یزدان پناه

کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

چکیده

نثر معاصر انوعی دارد که یکی از شاخص‌ترین و کاربردی‌ترین آن‌ها نثر داستانی است. در آثار داستان‌نویسان، به علل متفاوت ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی دیده می‌شود که می‌توان از آن به‌عنوان سبک فردی، در کنار سبک داستان‌نویسی معاصر به‌عنوان سبک دوره‌ای، یاد کرد. از بین داستان‌نویسان، گروهی داستان‌نویس زن با توجه به سلیقه‌ها و علایق و عواطف خود، شاخصه‌های زبانی خاصی را در داستان معاصر به‌کار گرفته‌اند که می‌توان از آن به‌عنوان سبک زنانه یاد کرد. این مقاله می‌کوشد با تکیه بر رمان سووشون سیمین دانشور، به بررسی سبک زنانه بپردازد و با ارائه ویژگی‌ها و مختصات سبک ایشان، راه را برای مباحث دقیق‌تر سبک‌شناسی بگشاید.

کلیدواژه‌ها: ادبیات معاصر، ادبیات داستانی، سبک زنانه، سیمین دانشور

مقدمه

به نظر می‌رسد که شیوه نگارش زنان مردان در بیان مطالب و مسائل متفاوت است. از بررسی اجمالی متون داستانی معاصر ایران چنین برمی‌آید که بین شیوه و سبک نگارش نویسندگان زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد. در آثار سیمین دانشور، به ویژه سووشون، عناصر زنانه‌ای به‌کار رفته که آن را از آثار نویسندگان مرد متمایز کرده است. جزئی‌نگاری، پرداختن به مسائل عاطفی و خانوادگی، با عشقی مادرانه به اشیا و طبیعت و مردم نگاه کردن، هویت بخشیدن به اشیا، گریز از مستقیم‌گویی، به بند کلام کشیدن اشیا و با سلیقه زنانه در کنار هم جا دادن آن‌ها، متعالی دیدن عشق و پیوند دادن آن

با عنصر خیال، پرداختن به امور خانه‌داری، بچه‌داری، پخت و پز و به‌طور کلی پرداختن به اموری که کانون توجه زن‌هاست، برخی از ویژگی‌های آثار سیمین دانشور است. این مقاله درصدد است با شیوه‌ای علمی به بررسی سبک زنانه در رمان سووشون سیمین دانشور بپردازد. درباره سبک‌شناسی و نیز سبک داستان معاصر ایران، به ویژه سبک برخی از نویسندگان برجسته مانند هدایت، علوی، جمال‌زاده، سیمین دانشور و جلال آل احمد تحقیقاتی انجام شده، اما در این باره که سبک زنانه چه ویژگی‌هایی دارد و تفاوت آن با سبک نویسندگان مرد در چیست، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

سیمین دانشور از نخستین نویسندگان زن است که داستان‌نویسی را به‌طور جدی آغاز کرده است. داستان‌های دانشور، بیشتر حول و حوش زنان و مشکلات آنان است. دانشور سعی کرده است به‌عنوان یک زن، ظلم و ستمی را که بر زنان می‌رود، در آثار خود منعکس کند و از جهل و خرافه‌گرایی آنان بنالد. او در اغلب آثارش به این نکته اشاره می‌کند که استقلال فکری، مهم‌ترین بخش وجود زنان است. «بیشتر شخصیت‌های داستان‌های دانشور را زنان تشکیل می‌دهند. دانشور اگر به مردان بپردازد، به آن‌ها بیشتر از دریچه چشم زنان می‌نگرد. مردان در آثار او در ارتباط با زنان معنی پیدا می‌کنند. زنان خانه‌دار، کلفت‌ها، معلمان مدارس و دانشگاه، هنرپیشه‌ها و... زنان داستان‌های دانشور را تشکیل می‌دهند» (عبداللهمیان، ۱۳۷۸: ۷۳).

بررسی سبک زنانه در رمان

سووشون

الف. ویژگی‌های صرفی (نظام واژگان)

در آثار سیمین دانشور به ویژه رمان سووشون، جنسیت در انتخاب واژگان تأثیر بسزایی داشته است. واژگانی چون بچه، چادر، زیورآلات، نخ و سوزن و غیره با بسامد بالایی به‌کار رفته که حاکی از نگاه زنانه او به دنیای اطراف است. برای نمونه:

۱. کاربرد واژه بچه:

واژه بچه در رمان سووشون، ۱۴۷ بار به‌کار رفته است. با توجه به اینکه سیمین دانشور صاحب فرزند نیست، شاید این بسامد بالا بتواند از منظر روان‌شناسی قابل تأمل باشد. برای نمونه:

- بچه از دست من می‌باشد. (سووشون: ۶)
- پستانک بچه هنوز می‌باشد؟ (سووشون: ۶)
- و نمونه‌های دیگر در صفحات ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۶ و ...

۲. کاربرد وسایل آشپزخانه:

از ویژگی‌های دیگری که در این کتاب به‌وفور به چشم می‌خورد، بهره‌برداری نویسنده از وسایل آشپزخانه است. سفره، سینی، سماور، قدح، قاشق، قوری، ظرف، قندان، چنگال، کبریت، انبر، کاسه و جز این‌ها وسایلی است که در این رمان به‌کار رفته است. برای نمونه:

- سفره قلمکار را کنار زد. (سووشون: ۱)
- خانم فاطمه پشت سماور که می‌جوشید نشست. (سووشون: ۲۱)
- و نمونه‌های دیگر در صفحات ۳۲، ۳۳، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۷ و ...



نقش لیلی و مجنون قرار داشت. (سووشون: ۵)

● مرهب و شمرد و یزید و فرنگی و زینب
زیادی و هند جگر خوار و این آخری هم فضه.
(سووشون: ۹)
و نمونه‌های دیگر در صفحات ۷۰، ۷۸، ۱۶۰،
۲۱۴، ۲۱۵ و ...

۱۰. ک تحبیب و تصغیر:

دانشور از «ک» تحبیب و تصغیر بسیار
استفاده کرده است. این ویژگی به دلیل روحیه
رمانتیک و زنانه وی است؛ یعنی روحیه‌ای که
همه را با نگاهی عاطفی و تا حدی ترحم‌انگیز
می‌بیند

● پسرک زیر ابرو برداشته‌ای گلم، گلم، یار
گلابتون را خواند و رقصید. (سووشون: ۱۱)
● اگر این طفلک روی دستم بمیرد، چه
خاکی به سرم کنم؟ (سووشون: ۱۵۰)
و نمونه‌های دیگر در صفحات ۱۱، ۱۸، ۱۹،
۷۲، ۸۲، ۸۳، ۱۰۱، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۲، ۲۵۹،
۳۰۳.

۱۱. دل و کاربرد هنرمندانه آن:

دل مرکز احساس و عاطفه و کانون توجه
زن هاست. سیمین دانشور از این کلمه با
بسامد بالا استفاده کرده است.
● عمه گفت: تو دلت شور نذرت را نزند.
(سووشون: ۲۲)
● دلم مدام ریش ریش بشود. (سووشون: ۶۶)
● خون به دل بی بی کرد. (سووشون: ۷۲)
و نمونه‌های دیگر در صفحات ۲۳، ۲۸، ۳۰،
۳۷، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۷، ۵۰، ۵۳، ۵۸، ۵۹ و ...

ب. ملاحظات دیگر

در ساختار غیر نحوی زبان مواردی نیز هست
که به نظام معنایی زبان مربوط می‌شود و
جنبه‌های صرفی آن مورد نظر نیست؛ این
موارد در رمان سووشون عبارت‌اند از:

۱. ضرب‌المثل‌های زنانه:

مقصود از ضرب‌المثل‌های زنانه،
ضرب‌المثل‌هایی است که به نوعی مسائلی
زنانه در آن‌ها مطرح است؛ اعم از مسائل
عاطفی، شغلی، وسایل خانگی، مواد غذایی
و ...

● آتش خودشان را می‌خورند و حلیم دیگران
را به هم می‌زنند. (سووشون: ۲۶ و ۳۹)
● خودت بریده‌ای و خودت هم دوخته‌ای.
(سووشون: ۶۱)

۳. کاربرد وسایل و لوازم خیاطی:

از شگردهای دیگر دانشور در سووشون،
به کارگیری اسباب و لوازم خیاطی است که
آن‌ها را در قالب کنایه و مجاز و گاه به معنی
حقیقی به کار گرفته است.

● در نخ این خیال‌ها بود. (سووشون: ۶)
● در اطلاق جای سوزن انداز نبود. (سووشون: ۹)
و نمونه‌های دیگر در صفحات ۹، ۲۸، ۴۱،
۷۳، ۱۰۶ و ...

۴. کاربرد مواد غذایی:

مواد غذایی در داستان نویسی دانشور از جمله
سووشون، جایگاهی خاص دارد. برای نمونه:
● آتش خودشان را می‌خورند و حلیم دیگران
را به هم می‌زنند. (سووشون: ۲۶)
● شیربرنج نمی‌خواهم. (سووشون: ۶۷)
و نمونه‌های دیگر در صفحات ۳۲، ۳۳، ۱۵۹،
۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۷ و ...

۵. کاربرد زیورآلات:

● از کجا گوشواره زمرد او را دیده‌اند؟
(سووشون: ۸)
● یوسف گوشواره‌ها را به دست خودش به
گوش او کرده بود. (سووشون: ۸)
و نمونه‌های دیگر در صفحات ۸، ۲۳، ۷۸،
۸۸، ۹۰، ۹۱، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۶۶، ۱۷۵، ۲۸۳،
۲۸۵ و ...

۶. جملات با الفاظ و بار عاطفی زنانه:

● زیر لحاف سنگین آسمان خوابشان برده
بود. (سووشون: ۱۱۸)
● در کشوی قفسه به دنبال میل کرک بافی
و کرک گشت تا اضطراب و دل‌زدگی خود را
لای کرک‌ها بیافد. (سووشون: ۲۴۲)
● دل آدم عین یک باغچه پر از غنچه است.
اگر با محبت غنچه‌ها را آب دادی باز می‌شوند،
اگر نفرت ورزیدی غنچه‌ها پوسیده می‌شوند.
(سووشون: ۳۰)

۷. به کار بردن نام گل‌ها و درختان:

در رمان سووشون نام گل‌ها و درختان
با بسامد بالا به کار رفته که بیانگر روحیه
لطیف و عاطفی سیمین دانشور و نشانه‌ای
سبک‌شناسانه از نثر زنانه است. برای نمونه:
● گل‌های مریم و میخک و گلابول بود که
در گلدان‌های بزرگ نقره در گوشه و کنارها
از میان دامن‌های خانم‌ها پیدا بود. (سووشون:
۹)

● برای شهر همسایه بهار نارنج آورده‌اند.
(سووشون: ۲۸)
و نمونه‌های دیگر در صفحات ۲۰، ۴۵، ۱۶۳،
۱۷۹، ۲۶۲، ۲۹۰، ۳۰۲ و ...

۸. واژگان و اصطلاحات زنانه شیرازی:

● یک مادبان با تجربه هم به‌عنوان ماماچه^۱
پهلوی مادپانی که درد می‌کشیده ایستاده
بود. (سووشون: ۳۱)
● از کی تا حالا جی جی باجی دختر حاکم
شده بود. (سووشون: ۳۷).
● بعد از ظهر در تالار خرمی^۲ پهن کرد. خانم
فاطمه روی خرمی دیگر کنار او خوابید.
(سووشون: ۸۸)

و نمونه‌های دیگر در صفحات ۹۵، ۱۰۶،
۱۰۷، ۱۰۸، ۱۳۷ و ...

۹. نام زنان تاریخی:

● دور تا دور سفره سینی‌های اسفند با گل و

● تو که لالایی بلدی، چرا خوابت نمی‌بره؟ (سووشون: ۶۴)

و نمونه‌های دیگر در صفحات ۲۳، ۳۶، ۵۲، ۹۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۰، ۲۳۱ و...

۲. سوگندهای زنانه

● ملک رستم گفت: به موهایت قسم چیز مهمی نبوده. (سووشون: ۵)

● جواب داد: به سر خودت گرگ خورده، به موهایت قسم. (سووشون: ۱۱۴)

● تو را به جان بچه‌هایت، مرا بفرست پیش نه‌ام. (سووشون: ۱۴۷)

و نمونه‌های دیگر در صفحات ۲۱۱، ۲۴۲، ۲۵۷ و...

۳. آداب و رسوم زنانه:

سووشون را می‌توان آینه‌دار آداب و رسوم و سنت‌های ایران، به ویژه شیراز و برخی مناطق اطراف آن دانست. برای نمونه:

● در رمان سووشون به رسم ساییدن قند بر سر عروس و داماد و دوختن زبان یاران داماد در مراسم عقدکنان اشاره شده است.

«عروس روی زین اسب جلو آینه نشست و عزت‌الدوله روی سرش قند سایید. زنی با سوزن و نخ قرمز زبان یاران داماد را دوخت.» (سووشون: ۹)

در شیراز رسم است که اگر عروس هنگام عقد لباس سبز بر تن داشته باشد، یا ابریشم سبزی دور گردن بسته باشد، خوشبخت خواهد شد (همایونی، ۱۳۵۳: ۸۹).

«مامانم می‌گوید لطفاً گوشواره‌هایتان را بدهید. یک امشب به گوش عروس می‌کنند و فردا صبح زود می‌فرستند در خانه‌تان... تقصیر خانم عزت‌الدوله است که یک کلاف ابریشم سبز آورده و به گردن عروس انداخته. می‌گوید سبز بخت می‌شود.» (سووشون: ۸)

۴. باورها و خرافات:

در این رمان به برخی باورها و اعتقادات که بیشتر در میان زنان شیراز رایج بوده، اشاره‌هایی شده است. برای نمونه:

● عجیب بود. زری دو تا هندوانه پاره کرد و هر دو زردرنگ و کال از آب درآمد. نارسی هندوانه را به فال بد گرفت. (سووشون: ۱۹۷)

● یک تخم‌مرغ برایتان شکستم به اسم آقادر آمد. خودشان چشمتان زده بودند. (سووشون: ۲۲۷)

ج. ویژگی‌های نحوی (نظام دستوری)

۱. توصیفات دقیق زنانه:

سیمین دانشور به توصیف سوژه‌هایی پرداخته است که به نحوی با زندگی زنان ارتباط دارند. برای نمونه:

الف. توصیف حمام:

● سربینه حمام که رفتند، دده سیاه کنار یک گرامافون بوقی سگ‌نشان نشسته بود دیوارهای سربینه تا نیمه مرمر سفید بود و روی نیمه دیگر و حتی سقف، نقاشی شده بود... سرتاسر سقف ارسی با تصویرهای سر یک زن و یک مرد در کنار هم نقاشی شده

دانشور سعی کرده است به‌عنوان یک زن، ظلم و ستمی را که بر زنان می‌رود، در آثار خود منعکس کند و از جهل و خرافه‌گرایی آنان بنالد. او در اغلب آثارش به این نکته اشاره می‌کند که استقلال فکری، مهم‌ترین بخش وجود زنان است

بود. زن‌ها دهانی به اندازه یک حبه انار و چشم‌هایی آهووش و گیسویی زنجیروار داشتند و مردها شبیه زن‌ها بودند؛ منتها با کاکل و بی‌گوشواره. (سووشون: ۱۶۱)

ب. توصیف تخت

● عصر مهمان‌ها روی تخت دوازده پارچه، روی حوض نشسته بودند. روی تخت قالی فرش بود و روی قالی حرمی‌های خنک راه‌راه و مخده‌های گل و بنه‌دار به سرتاسر دیوارهای مشبک و نسبتاً بلند تخت تکیه داده شده بود. (سووشون: ۱۶۴)

ج. توصیف دسته گل:

● یک دسته گل مخصوصاً نظرش را گرفت. در وسط، چند شاخه گل‌های خودروی بنفش بود که لب جوی باغ‌ها یا در گندمزارها

می‌روید و دور تا دور آن‌ها یک ردیف غنچه گل محمدی محکم بسته بودند و دور تا دور غنچه‌ها، ردیفی از گل‌های سرخ شکفته قرار داشت و دور ردیف گل‌ها و غنچه‌ها با نخ قند محکم بسته شده بود. (سووشون: ۲۱۹).

د. توصیف بساط پذیرایی:

● این بار در یک قندچینی گل مرغی برایشان افشیره لیموترش آورد. یک قاشق چینی گل مرغی هم با همان نقش قندچ قند بود. قند را به احتیاط جلو عزت‌الدوله گذاشت. دده سیاه پیر لیوان‌های بلور تراش‌دار را که در یک سینی نقره گذارده بود آورد و کنار قند افشیره جا داد. عزت‌الدوله با ظرافت، افشیره را در لیوان‌ها ریخت. (سووشون: ۱۵۹)

۵. توصیف بساط عصرانه:

● دده آمده و عصرانه آورد و روی تخت چید. انواع میوه‌های فصل و چند جور بیسکویت فرنگی و بعد منقل پر آتشی آورد که در یک سینی مسی کنگره‌دار گذارده بود و جلوی عمه گذاشت. در یک قوری قرمز گلدان جای دم کرد. حقه وافور چینی گلدان از نوع قوری بود و گل‌های حقه و قوری گل کوکنار بود. انبر و سیخک برق طلا را داشت اما طلا نبود. (سووشون: ۱۶۷)

۲. اشاره به رنگ در توصیفات:

● زنی با سوزن و نخ قرمز زبان یاران داماد را دوخت. (سووشون: ۹)

● داخل کالسه که با متن ساتن صورتی آنباشته از نقل و سکه بود. (سووشون: ۹)

و نمونه‌های دیگر در صفحات ۱، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۵، ۳۶ و...

۳. اشاره به جنس اشیاء در توصیفات:

● از کجا گوشواره زمرد او را دیده‌اند؟ (سووشون: ۸)

● اما دیگر نه کلاف سبزی ابریشم به گردن داشت و نه تور عروسی. (سووشون: ۱۱)

و نمونه‌های دیگر در صفحات ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۳۳، ۵۲، ۷۲، ۷۷، ۹۵، ۱۰۵، ۱۱۳ و...

۴. جملات توصیفی زنانه:

● از میان اشک‌ها نگاه کرد به عمه با صورت گل‌انداخته، چشم‌های تر، گیس‌های بافته و سریند قرمزیش. (سووشون: ۵۹)

● موهایش فلفل نمکی می‌زد. (سووشون: ۱۰۷)

و نمونه‌های دیگر در صفحات ۱۲۴، ۲۴۰، ۲۶۱، ۲۷۱ و...

۵. ترکیبات وصفی زنانه:

- قالی عروس بافت خودتان را آورده‌اید به ایلخان پیشکش کنید. (سووشون: ۴۶)
- زری چشم‌هایش پر از اشک شد. از میان اشک‌ها نگاه کرد به عمه با صورت گل‌انداخته، چشم‌های تر، گیس‌های بافته و سرزند قرمز. (سووشون: ۵۹)
- چشم‌های سورمه کشیده و گیس بلند داشت. (سووشون: ۷۳)
- و نمونه‌های دیگر در صفحات ۱۱، ۱۱۰، ۱۹۶، ۲۰۷، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۶۱، ۲۶۴ و ...

۶. قیدهای زنانه:

- سوراخ حقه را به ظرافت با سوزن پاک کرد. (سووشون: ۷۶)
- زری آرام و مادرانه گفت... (سووشون: ۱۲۸)
- و نمونه‌های دیگر در صفحات ۱۵۹، ۱۸۵، ۲۲۷ و ...

۷. کاربرد واژه «دوختن»:

- دوختن از جمله واژگانی است که به صور مختلف در رمان سووشون به کار رفته است. با توجه به مفهوم دوختن که در آغاز، دوخت و دوز را به خاطر می‌آورد، می‌توان بسامد قابل توجه این واژه را حاصل نوعی میل و گرایش زنانه دانست. در اینجا نمونه‌هایی از کاربرد فعلی، اسمی و کنایی دوختن را ذکر می‌کنیم.

الف. به صورت فعل:

- زنی با سوزن و نخ قرمز زبان یاران داماد را دوخت. (سووشون: ۹)
- خانم حکیم هر شب که دست به چاقویش خوب بود، می‌برید و می‌دوخت. (سووشون: ۲۱)

ب. به صورت اسم

- گل‌دوزی و شبکه و چین دوقلو یاد دخترهای مردم می‌داد. (سووشون: ۶)
- تنبان چین‌دار اسکاتلندی پایش بوده و دور تا دور دامن را گل‌دوزی کرده است. (سووشون: ۲۴۰)

ج. ترکیب کنایی:

- (چشم دوختن): نگاه جویبش را به زری دوخت. (سووشون: ۲۵)
- چشم به آسمان می‌دوخته و عقیده داشته که خدا روی پشت‌بام منتظرش نشسته. (سووشون: ۱۰۴)

۹. کاربرد واژه بافتن:

- واژه بافتن نیز در این رمان به صور مختلف

فعلی، اسمی و کنایی به کار رفته است. برای نمونه:

الف. به صورت فعل:

- مادرت داشته جوراب پشمی لوزی لوزی برای پسرش در جبهه می‌بافته. (سووشون: ۱۳)
- می‌دانسته که مادرش داشته برای پسرش که در جبهه جنگ است، جوراب پشمی لوزی لوزی می‌بافت. (سووشون: ۱۴)

ب. به صورت اسم:

- از زیر آوار که درش آوردند، هنوز میل کرک‌بافی دستش بود.
- در کشوی قفسه به دنبال میل کرک‌بافی و کرک گشت تا اضطراب و دل‌زدگی خود را لای کرک‌ها بیافتد. (سووشون: ۲۴۳)

ج. به صورت صفت:

- از میان اشک‌ها نگاه کرد به عمه، با صورت گل‌انداخته، چشم‌های تر، گیس‌های بافته و سرزند قرمز. (سووشون: ۵۹)
- با آدم‌های خیال‌باف مثل خودش هم‌قسم شده که آذوقه شهر را در دست بگیرد. (سووشون: ۶۴)
- د. ترکیب کنایی:
- در غربت یادم است درباره ایرلند افسانه‌ها می‌بافتی. (سووشون: ۱۴)
- این همه شر و ور بافتیم که تو نرم شوی. (سووشون: ۱۵)

- و نمونه‌های دیگر در صفحات ۷۵، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۶ و ...

د. ویژگی‌های آوایی

۱. توجه به اصوات

- معمولاً توجه به کم و کیف صداها در آثار زنان بیشتر از مردان است. سمین دانشور نیز از این قاعده مستثنی نیست و در آثار او اصوات با بسامد بالا به کار رفته است. برای نمونه:

- مک ماهون ایرلندی تریک تریک عکس برداشت. (سووشون: ۷)

- افسرهای خارجی کرکر خندیدند. (سووشون: ۹)

- پاهایش را به هم جفت کرد که درق صدا داد. (سووشون: ۱۱)

- و نمونه‌های دیگر در صفحات ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۵۶، ۲۵۸ و ...

۵. جنبه‌های بلاغی و ادبی متن

۱. تشبیهات زنانه:

- دلم را مثل یک کاسه چینی می‌شکند. (سووشون: ۷۷)
- دلش مثل سیر و سرکه شروع کرد به جوشیدن (سووشون: ۱۴۴)
- و نمونه‌های دیگر در صفحات ۲۱، ۴۹، ۵۲، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۷۶ و ...

۲. تشخیص‌های زنانه:

- بهار که می‌شد، بنفشه‌های سفید و بنفش، نجیبانه به آب گذرا سلام و علیک می‌کردند و هیچ توقعی نداشتند. (سووشون: ۵۷)
- یاد زمستان به خیر، لب جوی‌ها نرگس‌ها باز می‌شدند و عکس خود را به آب یادگاری می‌دادند. (سووشون: ۵۷)
- نمونه‌های دیگر در صفحات ۵۵، ۱۱۷، ۲۲۹، ۲۳۲ و ...

۳. کنایات زنانه:

- در نخ چیزی بودن: در نخ این خیال‌ها بود. (سووشون: ۶)
- دامن گیر شدن: از همه بدتر، احساس حقارتی بود که دامن‌گیر همه‌تان شده است. (سووشون: ۱۶)
- نان و نمک کسی را خوردن: نان و نمک همدیگر را خیلی خورده‌ایم. (سووشون: ۴۹)
- و نمونه‌های دیگر در صفحات ۲۲، ۲۸، ۴۲، ۴۷، ۵۵، ۵۹، ۶۶، ۷۹، ۹۸ و ...

۴. جناس زنانه

- مینا و مرجان پی مادر از بوت‌های به بوت‌ه دیگر، از حاشیه‌های به حاشیه دیگر می‌رفتند و جیک و پیک می‌کردند. (سووشون: ۵۷)
- زری اتوی پیراهن و شلوار کهنه خسرو را که برای کلو، دراز و گشاد و درز و دوز کرده بود، تمام کرد. (سووشون: ۱۳۸)
- برو ببینم چطور درز و دوز می‌کنی. (سووشون: ۱۴۲)

و. درون‌مایه‌ها و مضامین زنانه:

- درون‌مایه اصلی رمان سووشون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است اما سمین دانشور در خلال آن‌ها، به مسائل زنان نیز توجه خاصی داشته است. برخی از این درون‌مایه‌های زنانه عبارت‌اند از:

- الف. دغدغه‌های عاطفی یک همسر وفادار برای جلوگیری از رخنه مسائل سیاسی به درون خانه:

آموزشی-تحلیلی

تجلی کعبه در شعر سنایی

دکتر نصرالله امامی

عضو هیئت علمی دانشگاه چمران
اهواز

دکتر فرزانه یوسفقنبری

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد

اسلامی واحد دزفول

سهیلا فضیلت‌راد

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه

آزاد اسلامی واحد دزفول

چکیده

کعبه، مقدس‌ترین معبد الهی، که عمری به درازای حیات این جهان دارد، همچون نگینی بر تارک هستی می‌درخشد. این بنای ارزشمند و آیین مقدس حج، در شعر و ادب فارسی، جایگاهی ویژه و بس والا دارند و سخنوران و ادیبان، هر یک از زاویه خاص خود به آن‌ها توجه کرده‌اند. در این میان، سه شاعر بزرگ و عارف ادب فارسی یعنی سنایی، عطار و مولوی بنا به دید عرفانی خود بدان نگریسته و در این باره آثار ارزنده‌ای از خود به جای نهاده‌اند.

کعبه در اشعار این سه تن با مفاهیمی تقریباً یکسان جلوه می‌کند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: خانه دل، کعبه در مفهوم مجازی شرع، برتری کعبه دل بر کعبه گل، برتری حج باطن بر حج ظاهر، کعبه در معنای حقیقی و در معنای مقصود والا.

کلیدواژه‌ها: سنایی، کعبه، قصیده، شعر، حج

آموزشی-تحلیلی

تحلیل نمادین نگاره و رنگ

درفش‌ها و سراپرده‌ها در

شاهنامه

شهرزاد بهمنی، مدرس دانشگاه

پیام نور دورود

چکیده

در مقاله حاضر، نگاره و رنگ درفش‌ها و سراپرده‌ها در شاهنامه بررسی و نشان داده شده که نقش و رنگ درفش‌ها و سراپرده‌ها با توجه به شخصیت درونی

ملک‌هایم را می‌دزدید، چادر می‌انداخت سر خواهرش و خواهره را به اسم من، می‌برد محضر آقا شیخ غیب علی، ملک‌هایم را می‌فروخت و خواهرش روبیش را محکم می‌گرفت و انگشت می‌زد پای سند معامله. بعد پولش را پای زن‌ها می‌ریخت...» (ص ۱۶۸)

پدر یوسف نیز عاشق رفاصهای هندی می‌شود و همسرش به همین دلیل، به عراق می‌رود و در آنجا کلفتی می‌کند و در فقر و بی‌کسی می‌میرد.

«یک ماه بعد، کاغذش آمد که من کربلا مجاور قبر امام شده‌ام، دلواپسم نباشید... اما مادرم در کربلا به کلفتی افتاده بود؛ کلفتی خانم فخرالشریعه». (ص ۷۸)

نتیجه‌گیری

با بررسی سبکی و تحلیل محتوای سووشون می‌توان دریافت که نثر این اثر بدون تردید نثری زنانه است که نویسنده آن خودآگاه یا ناخودآگاه در سبک نوشتن و نگارش از مواد دست‌مایه‌های زنانه به وفور استفاده کرده است. هیچ اثری را در میان آثار نویسندگان زن و مرد نمی‌توان یافت که ذهن و زبان زنانه به این وسعت و گستردگی در آن رسوخ کرده باشد. از بررسی‌های عملی آمده می‌توان نتیجه گرفت که قدمت اثر، محیط جغرافیایی، اوضاع خانوادگی و شغلی و نیز موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی حاکم در زمان تألیف این اثر در خلق آن با ویژگی‌ها و سبک زنانه مؤثر بوده است؛ موقعیت‌هایی که در روزگاران بعد همراه با تحولات علمی، سیاسی و اجتماعی ایران و جهان، دگرگون شده و به تبع آن، نقش و جایگاه زنان را تغییر داده و آن‌ها را در موقعیتی هم‌سطح با مردان قرار داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ماماچه: قابله

۲. جی‌جی باجی: خواهرخوانده

۳. خرمی: پارچه کنانی

منابع

۱. دانش‌سور، سیمین. (۱۳۶۳). سووشون. تهران: خوارزمی.

۲. عبداللهمیان، حمید. (۱۳۷۸). کارنامه نثر معاصر. چاپ اول. تهران: پایا.

۳. همایونی، صادق. (۱۳۵۳). گوشه‌هایی از آداب و رسوم مردم شیراز. اداره کل فرهنگ و هنر فارس.

زری که در دنیای پرآشوب جنگ جهانی دوم زندگی می‌کند، نگران به هم خوردن آرامش خانواده خویش است و دلش نمی‌خواهد که جنگ به خانه و کاشانه‌اش کشیده شود اما احساس می‌کند که اوضاع حاکم بر شهر، امنیت و آرامش زندگی او و خانواده او را تهدید می‌کند.

«هر کاری می‌خواهند بکنند اما جنگ را به لائۀ من نیاورند. به من چه مربوط که شهر شده عین محله مردستان... شهر من، مملکت من، همین خانه است اما آن‌ها جنگ را به خانه من هم می‌کشاند». (سووشون: ۱۹)

در جایی، ابوالقاسم، برادرشهر زری، از مادیان خسرو، سحر، نزد حاکم شیراز تعریف می‌کند و دختر کوچک حاکم شایسته‌اسب می‌شود. ژاندارم برای بردن اسب به در خانه یوسف می‌رود. زری ابتدا قصد دارد در برابر او ایستادگی کند اما برای جلوگیری از به هم خوردن آرامش خانواده، سکوت می‌کند و به غلام دستور می‌دهد که سحر را به ژاندارم بدهد.

«به غلام دستور می‌دهد: برو سحر را از طویله در آر». (ص ۸۶)

ب. بیداری و تحول زری به‌عنوان یک زن ایرانی:

زری در آغاز داستان فقط به فکر آرامش و امنیت خانواده خویش است. زنی ترسو و محافظه‌کار است اما در پایان داستان متحول می‌شود و می‌خواهد ترس و محافظه‌کاری را به کناری نهد و تفنگ به دست خسرو بدهد. «می‌خواستم بچه‌هایم را با محبت و در محیطی آرام بزرگ کنم اما حالا با کینه بزرگ می‌کنم. به دست خسرو تفنگ می‌دهم». (ص ۲۵۴)

ج. ظلم و ستمی که به زنان وارد می‌شود:

در داستان سووشون می‌بینیم که به زنان ظلم شده است. زنان مظلوم واقع شده‌اند و قانون هم به مظلومیت آنان کمک کرده است. آن‌ها به جای احقاق حق، به راحتی از حقوق خود گذشته و تنها به فرزندان خویش، دل خوش کرده‌اند. عزت‌الدوله یکی از شخصیت‌های داستان است که همسرش اموالش را می‌فروشد تا خرج عیش و نوش خود کند.

«عزت‌الدوله گفت: در این غروب عزیز، خدا نیامرزت مرد! چه ملک و املاکی؟ بنچاق